

# مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی زبان عربی و همکنشی تمدنی

(پژوهش‌های همبند در حوزه زبان و ادبیات)

جلد دوم

(ت - ی)

گردآوری:

مجتبی عمرانی پور    کمال باغجری

«اعضای هیأت علمی دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران»

دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران و دانشگاه کوفه با همکاری جهاد دانشگاهی قم

اسفند ۱۴۰۰ ش / مارس ۲۰۲۲ م



واحد استان قم





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## سخن رئیس دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران

بسیار خرسندیم که به یاری ایزد دانا و توانا، آغازگر دومین «همایش بین‌المللی زبان عربی و همکنشی تمدنی» هستیم؛ همایشی که با همکاری دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران و دانشگاه کوفه برگزار می‌شود. برگزارکنندگان این همایش پس از برداشتن و آسیب‌شناسی گام نخست در سال گذشته، بر آن شدند برای رفتن به سوی بررسی ژرف‌تر و پژوهشگرانه‌تر، هر ساله، محوری ویژه را برای پژوهش و پذیرش مقالات برگزینند. برای امسال و دومین گام همایش «زبان عربی و همکنشی تمدنی» محور «پژوهش‌های همسنگ در ادبیات و زبان» یا همان ادبیات تطبیقی برگزیده شد.

زبان عربی دوشادوشِ خواهرِ تمدنی‌اش، زبان فارسی، دو زبان بنیادین و شکوهمند تمدن ایرانی - اسلامی بوده‌اند و داد و ستدهایی فراوان داشته‌اند؛ به گونه‌ای که هر کوششی برای شناخت فرهنگ ایرانی - اسلامی، از راه شناخت این دو زبان و شاهکارهای ارجمندی چون کلیله و دمنه و شاهنامه و هزار و یک شب می‌گذرد که بیش از هزار سال است که فرهیختگان جهان را به ستایش و شگفتی واداشته است. گذشته از این که همکنشی میان زبان عربی و فارسی از درخشان‌ترین نمودهای همکنشی و بده بستان تمدنی - فرهنگی میان انسان و به ویژه انسان شرقی است به شمار می‌روند. به ویژه اگر سخن اندیشمندانی چون زنده یاد استاد مهرداد بهار را پیش چشم آوریم که سخن از نژاد و زبان پاک در غرب آسیا یا همان شرق تمدنی را گزافه و نادرست می‌دانند؛ چه، مردمان خاورزمین از آغاز تا کنون چنان به هم آمیخته‌اند که جداسازی نژاد و زبان شان کاری نشدنی است.

ادبیات هم بسان بزرگترین دستاورد و برساخته زبان، آینه‌وار، جانِ جانِ مردمان و زیر پوستِ جوامع را باز می‌تاباند و سپهری بنیادین و براننده برای نمودن همکنشی تمدنی می‌شود. پژوهش ادبی همسنگ نیز راهی است درست و به دور از گزندهای سیاست و نگاه‌های تنگ، برای رسیدن به همسودی منطقه‌ای و جهانی از رهگذر شناخت دو سویه‌ای که هم اندیشی و گفتگو و چندصدایی را نیرو می‌بخشد و راه را برای همزیستی آشتی جویانه هموار می‌کند.

زبان، یکی از مهم‌ترین ارکان ایجاد ارتباط است که پس از پیدایش زبان و شکل‌گیری گفت و گو، انسان‌ها توانسته‌اند تعامل و ارتباط وسیع‌تری با یکدیگر برقرار کنند. همچنین زبان به عنوان عنصری برجسته در زندگی اجتماعی است که نقش بسزایی در شکوفایی تمدن‌ها دارد. زبان عربی یکی از زبان‌های سامی است و از بسیاری جهات غنی‌ترین آنهاست. و یکی از زبان‌های بزرگ تاریخ

و تمدن بشری محسوب می‌گردد. عربی زبان وحی و کتاب آسمانی است که مورد احترام صدها میلیون نفر است. عربی همانند یونانی، زبان علم و فلسفه است که متون مقدماتی و حتی واژگان نظری مربوط به تمدن را فراهم می‌آورد. با ظهور اسلام و شکل‌گیری حکومت دینی برآمده از مردم و گفتمان دینی، تمدن نوین اسلامی شکل گرفت.

جهان بینی افراد، میراث فکری و فرهنگی یک جامعه، مفاهیم مذهبی، کتب آسمانی، حوادث تاریخی، هنر و ادبیات گذشتگان، داستان‌ها و شعرها، همه و همه بخش زیادی از حیات خود را مدیون وجود کلمات و جملاتی است که در قالب زبان تبلور می‌یابد. بدین سان تمدن‌ها با حیات زبان رو به کمال می‌روند و با زوال آن قسمت مهمی از هویت خود را از دست می‌دهند، همان‌گونه که فردوسی شاعر بلندآوازه ایرانی با اشاره به اثر بزرگ خود شاهنامه می‌گوید:

بسی رنج بردم درین سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی

فردوسی به وسیله زبان، شاهنامه را خلق می‌کند و با آفرینش شاهنامه از یک طرف گنجینه بزرگی برای واژگان فارسی به وجود می‌آورد و از طرف دیگر هویت و ملیت ایرانی را زنده نگه می‌دارد. و به همین علت است که برای شناخت فرهنگ یک جامعه، آگاهی و شناخت از زبان آن جامعه ضرورت دارد. پس شناخت کامل فرهنگ یک جامعه بدون شناخت زبان آن جامعه میسر نخواهد بود. بنابراین برای رسیدن به تفاهم و درک بهتر مفاهیم و معانی مورد بحث، دو طرف گفت و گو از یک سو باید اطلاع کافی از ساختارهای زبانی یکدیگر داشته باشند یا این که زبان مشترکی برای بیان عقاید خود پیدا کنند و از سوی دیگر نگرش‌ها، علایق، عادت‌ها، آداب و رسوم و به طور کلی فرهنگ حاکم بر جامعه یکدیگر را بشناسند. تنها در این صورت است که همکنشی تمدن‌ها می‌تواند چهارچوب فکری و ایدئولوژی مشترکی را فراهم آورد. و بدین سان طرفین با فهم مشترکشان از مسایلی که در اطرافشان می‌گذرد به تعامل و همکاری برسند.

گفتنی است هیچ زبانی در دنیا نیست که تحت تأثیر دیگر زبان‌ها قرار نگرفته باشد. هر زبان زنده‌ای برای ادامه حیات خود نیازمند تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متقابل بوده است. زبان عربی نیز از گذشته تاکنون تحت تأثیر زبان‌های مختلف به ویژه فارسی قرار گرفته است. این تأثیرپذیری در غنی‌سازی زبان عربی نقش بسزایی داشته و با خلق آثار و تألیفات بی‌شمار، به رشد، توسعه و گسترش فرهنگ عربی اسلامی کمک کرده است. از رهگذر مطالعات همسنج بین زبان و ادبیات ملل مختلف، می‌توان به گسترش مرزهای دانش و کشف لایه‌های نامکشوف متون دست یافت تا با طرح موضوعات

نو و تولید نظریه‌های جدید در حوزه زبان و ادبیات، محیط فکری مناسب برای به اشتراک گذاشتن، بحث، بررسی و ارائه یافته‌های علمی پژوهشگران سراسر جهان از متون زبانی و ادبی فراهم شود و خدمتی در راه بهبود وضعیت زبان‌ها و ادبیات رشته‌های مختلف و زنده دنیا باشد.

حمید زارع





## كلمة رئيس المؤتمر و الأمين العلمي

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

في بادئ ذي البدء يلزم تقديم الشكر والعرفان للسيد رئيس جامعة طهران الأستاذ الدكتور محمد مقيمي المحترم، وللسيد رئيس جامعة الكوفة الأستاذ الدكتور ياسر لفته حسون المحترم، وللسيد رئيس مجمع الفارابي بجامعة طهران فضيلة الأستاذ الدكتور حميد زارع المحترم؛ الذين قدموا الدعم لإقامة المؤتمر وإنجاحه.

ونتقدم بالشكر لثقة الجامعات الرصينة والمؤسسات العلمية التي ساندت المؤتمر، وشكر موصول لسعادة الباحثين والباحثات الذين ساندوا المؤتمر بمشاركتهم العلمية الرصينة، وللأخوات العزيزات المحترمات والأخوة الأفاضل الذين عملوا بجهد واجتهاد في لجان المؤتمر، وإلى جميع المشاركين والمحبين للعلم.. نهندي سلامنا واحترامنا ودعائنا بالخير والتوفيق واستمرار نعمة العلم.

### الأفاضل والفضليات؛

إن التفاعل حاجة طبيعية لدى الإنسان وركن جوهرى من أركان الحياة البشرية، به تواصلت الحضارات الإنسانية وتطورت عبر العصور؛ إذ يعد التفاعل العلمي والثقافي شكلاً من أشكال الحضارة وسبباً من أسباب تكوينها، ويعتبر الشعب الذي يستطيع الاستفادة من عيوب وأخطاء شعب آخر هو أكثر المجتمعات وعياً وأكثرهم قدرة على النهضة والمسؤولية، فالمخزون الراكذ ليس كافياً لاستمرارية التطوير العلمي والمعرفي، ولعلّ أهم ما يمكن أن يحققه التفاعل الثقافي بين الشعوب هو صنع السلام العالمي وتحقيق متطلباته، وهو الذي يعد أمنية البشرية في شتى بقاع الأرض على مدى العصور. إن الجامعات في هذا الزمن تتبنى شكلاً من أشكال التفاعل الثقافي من خلال إقامة المؤتمرات والندوات العلمية ومشاركة الأساتذة والباحثين فيها من البلدان المختلفة مما يساعد على الامتزاج الثقافي والتعرف على مكامن قدرات البعض وما يمكن أن يقدموه للبلاد التي ينتسبون إلى جامعاتها، فيحملون تلك المعلومات ونتاج البيئة التي تعرفوا عليها إلى بلدهم الأم، فتزيد القدرات الاجتماعية الثقافية والاقتصادية والسياسية لكل من البلد.

ولقد أسس الإسلام منهجاً متكاملًا للتعامل بين الشعوب والحضارات المختلفة، فقد أقر باختلاف الناس والأجناس، وربط المسلمين مع سائر البشر على اختلاف أجناسهم وانتماءاتهم الحضارية برباط من الأخوة الإنسانية النابعة من وحدة الأصل البشري، وألزم المسلمين بالتعاون

والتعاش والتعارف مع غيرهم، وإشاعة الخير مع الجميع وبين الجميع بغض النظر عن الأصل والدين واللون، قال تعالى: [يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ].

وفي الختام نوّد أن نهنئكم جميعاً على نجاح هذا المؤتمر، وأن هذا المؤتمر لقد حقق الكثير من الإنجازات، و نوّكد لكم أيها السادة والسيدات بأن التاريخ سيكتب عن ما أنجزتموه في هذه المدة من عمل رائع.

كما نوّد في هذا المجال أن نثمن الجهود التي قام بها المعنيون في مجمع الفارابي بجامعة طهران وجامعة الكوفة لتحضير هذا المؤتمر، وما قاموا به من جهود كبيرة لعقد العديد من الجلسات البحثية لاستعراض وجهات النظر وتقريبها حول الدراسات المقارنة بين اللغة والأدب، فاسمحوا لنا أن نتقدم نيابة عن المؤتمر وباسمكم جميعاً بالشكر الجزيل لكل من ساهم في إنجاز هذا الصرح العظيم. و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين.

الأمين العلمي للمؤتمر  
أ.د. ناصر قاسمي

رئيس المؤتمر  
أ.د. سليم الجصاني

## الأعضاء القائمون بالمؤتمر

أقامت جامعة طهران - مجمع الفارابي بالتعاون مع جامعة الكوفة ومنتدى العربية وآدابها المؤتمر العلمي الدولي الثاني:

### اللغة العربية والتفاعل الحضاري (دراسات مقارنة في اللغة والأدب)

برعاية: أ.د. حميد زارع رئيس مجمع الفارابي - جامعة طهران

رئيس المؤتمر: أ.د. سليم الجصاني رئيس منتدى العربية وآدابها في العراق - النجف الأشرف.

### أعضاء اللجنة العلمية:

- |  |  |
|--|--|
| - أ.د. ناصر قاسمي - جامعة طهران - مجمع الفارابي، رئيسا   | - أ.د. ناصر قاسمي - جامعة طهران - مجمع الفارابي، رئيسا   |
| - أ.د. إحسان التميمي - جامعة بغداد                       | - أ.د. إحسان التميمي - جامعة بغداد                       |
| - أ.د. تغريد عبد الزهرة عبود - جامعة بغداد               | - أ.د. تغريد عبد الزهرة عبود - جامعة بغداد               |
| - أ.د. جان توما - جامعة الجنان - لبنان                   | - أ.د. جان توما - جامعة الجنان - لبنان                   |
| - أ.د. جميل إسكندر - لبنان                               | - أ.د. جميل إسكندر - لبنان                               |
| - أ.م. د. جهاد فيض الإسلام - جامعة طهران - مجمع الفارابي | - أ.م. د. جهاد فيض الإسلام - جامعة طهران - مجمع الفارابي |
| - أ.د. كمال باغجري - جامعة طهران - مجمع الفارابي         | - أ.د. كمال باغجري - جامعة طهران - مجمع الفارابي         |
| - أ.د. كريم عبدالعامري - جامعة بغداد                     | - أ.د. كريم عبدالعامري - جامعة بغداد                     |
| - أ.م. د. مجتبي عمرائي بور - جامعة طهران - مجمع الفارابي | - أ.م. د. مجتبي عمرائي بور - جامعة طهران - مجمع الفارابي |
| - أ.د. محمد المهداوي - جامعة كربلاء                      | - أ.د. محمد المهداوي - جامعة كربلاء                      |
| - أ.د. محمد جمال صقر - جامعة القاهرة                     | - أ.د. محمد جمال صقر - جامعة القاهرة                     |
| - أ.د. محمد جواد البدراني - جامعة البصرة                 | - أ.د. محمد جواد البدراني - جامعة البصرة                 |
| - أ.د. محمد زوين - جامعة الكوفة                          | - أ.د. محمد زوين - جامعة الكوفة                          |
| - أ.د. محمدعلي عبداللهي - جامعة طهران - مجمع الفارابي    | - أ.د. محمدعلي عبداللهي - جامعة طهران - مجمع الفارابي    |
| - أ.د. محمد مرقتن - ألمانيا                              | - أ.د. محمد مرقتن - ألمانيا                              |
| - أ.د. نادية الهناوي - جامعة المستنصرية                  | - أ.د. نادية الهناوي - جامعة المستنصرية                  |
| - أ.د. نرجس گنجي - جامعة إصفهان                          | - أ.د. نرجس گنجي - جامعة إصفهان                          |
| - أ.د. نوري كاظم الساعدي - جامعة بغداد                   | - أ.د. نوري كاظم الساعدي - جامعة بغداد                   |
| - أ.د. يد الله ملايري - جامعة طهران - مجمع الفارابي      | - أ.د. يد الله ملايري - جامعة طهران - مجمع الفارابي      |
| - أ.د. رضا عامر - جامعة ميله - الجزائر                   | - أ.د. رضا عامر - جامعة ميله - الجزائر                   |
| - أ.د. رقية رستم بور ملكي - جامعة الزهراء - إيران        | - أ.د. رقية رستم بور ملكي - جامعة الزهراء - إيران        |
| - أ.د. سليمان مودع - جامعة ميله - الجزائر                | - أ.د. سليمان مودع - جامعة ميله - الجزائر                |
| - أ.د. شكري الميموني - جامعة ران - فرنسا                 | - أ.د. شكري الميموني - جامعة ران - فرنسا                 |
| - أ.د. شهریار نيازي - جامعة طهران                        | - أ.د. شهریار نيازي - جامعة طهران                        |
| - أ.د. صادق فتحي - جامعة طهران - مجمع الفارابي           | - أ.د. صادق فتحي - جامعة طهران - مجمع الفارابي           |
| - أ.م. د. عبد الكريم أحمد المحمود - جامعة الكوفة         | - أ.م. د. عبد الكريم أحمد المحمود - جامعة الكوفة         |
| - أ.د. عبد الكريم النفاخ - جامعة الكوفة                  | - أ.د. عبد الكريم النفاخ - جامعة الكوفة                  |



## فهرست مطالب

- مقدمه گردآوردندگان ..... ۱
- تأثیر پذیری شعر مقاومت فلسطین و ایران در لفظ و محتوا از قرآن کریم ..... ۵  
معصومه حاجی عموشا / جهاندار امیری
- تأثیر قرآن کریم و احادیث نبوی (ص) بر کتاب "پهنندی پیشینیان" اثر ملا غفور دباغی ..... ۲۹  
مهرداد آقائی / طاهر قاسمی
- تبلور شاخصه‌های مقاومت و آزادی خواهی در اشعار سمیح صباغ و فیصر امین پور ..... ۴۹  
دانا طالب پور
- تحلیل خوانش و تأثیر پذیری "القصائد السبع العلویات" ابن ابی الحدید از نهج البلاغه ..... ۷۳  
حسین ستار / فهیمه غلامی نژاد
- ترجمه از عربی به فارسی جهت رفع نیاز ترکان عثمانی ..... ۹۱  
طاهر بابائی
- تطور تاریخی معاجم لغت عرب و آثار روش شناختی آن بر فهم غریب القرآن ..... ۱۰۹  
سید امیر سید جعفری
- خوانش جلوه‌های رئالیستی در داستان‌های «لیل و قضبان» و «سگ و لگرد» ..... ۱۳۳  
کبری روشن فکر / محمدرضا فرضاد رسولی
- زبان عربی در میان علمای کرد (مطالعه‌ی موردی تخامیس شیخ محمد معروف نوده‌ی) ..... ۱۵۵  
علی دودمان کوشکی / رثوف رهنمون / سهیلا رستمی
- سیمای امام حسین (ع) در عاشورا در شعر سید حیدر حلّی و احمد عزیزی ..... ۱۷۵  
ناصر قاسمی / مهدی بگان
- فعالیت شرق شناسان در زمینه متون عربی - اسلامی در قرون وسطی ..... ۲۰۱  
غلامحسن حسین زاده شانه چی
- نقش آیات قرآنی در حل منازعات قومی (مطالعه موردی عشایر عرب خوزستان) ..... ۲۲۳  
صادق هاشمی امجد / مریم ملکشاهی نژاد
- نقش صدا و سیما در استان خوزستان در حفظ و گسترش زبان عربی ..... ۲۴۱  
فرزانه رحمانیان
- نگاهی تطبیقی به دو خطبه «غدیر پیامبر اکرم (ص)» و خطبه «فدکیه حضرت زهرا (س)» ..... ۲۶۵  
طیبه سرفرازی / رقیه رستم پور

- ۲۹۵ ..... واکاوی اسباب تألیف الذریعه آغا بزرگ طهرانی  
سید محمد رضی مصطفوی نیا / سید ماهر موسوی
- ۳۱۳ ..... واکاوی ساختار «مَطْلَعُ» در شعر عربی و فارسی از منظر بدیع و قافیه  
آمنه فروزان کمالی / ناصر زارع
- ۳۳۷ ..... هنرمندی سمیح القاسم و طاهره صفارزاده در بهره‌گیری از نماد پیامبران  
لیلا جمشیدی / مهتاب آزادی نسب

**Le traitement automatique de la langue arabe .....1**

Seyed Mohammad Mahmoudi

المؤتمر الدولي الثاني للغة العربية والتفاعل الحضاري (الدراسات المقارنة في اللغة والأدب)  
جامعة طهران (مجمع الفارابي) وجامعة الكوفة، مارس / آذار ٢٠٢٢ م.

## ترجمه از عربی به فارسی جهت رفع نیاز ترکان عثمانی

مطالعه موردی: ترجمه و فیات الأعیان ابن خلکان به دستور سلطان سلیم اول

طاهر بابائی<sup>۱</sup>

استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد

### چکیده

زبان عربی و فارسی در کنار زبان ترکی در تاریخنگاری و ادبیات عثمانیان بسیار مورد توجه بودند. زبان عربی زبان مدارس عثمانیان در عصر متقدم به شمار می‌رفت و زبان فارسی در حیطه دیوانسالاری و ادبیات که سلاطین عثمانی بدان توجه بسیاری داشتند، صاحب قدرت بود. با توجه به عنایت بیشینه سلطان سلیم اول به زبان فارسی و تسلط کامل و چامه‌سرایی بدین زبان، در فهم آثار عربی، ترجمه این آثار به زبان فارسی را نیز می‌پسندید؛ آنچنان که یکی از اسیران ایرانی جنگ چالدران به نام قاضی زاده اردبیلی را موظف به ترجمه و فیات الاعیان ابن خلکان به زبان فارسی کرد تا سلطان عثمانی به مطالعه آن توانا شود. گرچه ترجمه اثر، تنها جلد نخست و فیات الاعیان را در بر گرفت و با مرگ سلطان عثمانی ناتمام ماند، اما همین بخش که به شکل مخطوط به جای مانده، از آثاری است که به غنای تراث عثمانی در زمینه ترجمه از عربی به فارسی یاری رسانده است. در این پژوهش، تلاش شده است تا ضمن معرفی قاضی زاده اردبیلی به عنوان نخبه ایرانی دربار عثمانی، به چگونگی ترجمه اثر ابن خلکان، وضع نسخه خطی مربوطه، مقایسه ترجمه با اثر اصلی و بیان تغییرات راه یافته به اثر نظیر حذفیات و افزوده‌ها پرداخته شود.

کلیدواژگان: قاضی زاده اردبیلی، ادبیات عثمانی، سلطان سلیم اول، و فیات الاعیان ابن خلکان، ترجمه از عربی به فارسی.

---

1. Taherbabaei@um.ac.ir

## مقدمه

زبان‌های مشترک، از عوامل مهم ارتباط فرهنگی سرزمین‌ها و حکومت‌های مختلف در طول تاریخ بوده‌اند. عثمانیان (حک: ۱۲۹۹-۱۹۲۴م) با توجه به شکل حکومتداری خود، در عصر متقدم به قومیت و زبان خاصی تعصب نداشتند و همین، سبب شده بود تا تنوع فرهنگی و زبانی قابل ملاحظه‌ای در قلمرو عثمانیان شکل گیرد. در این میان، زبان ترکی به عنوان زبان حکمرانان و مردمان قلمرو، زبان عربی به عنوان زبان نفوذیافته میان طبقه علما (نظام مذهبی، قضایی و مدرسی) و زبان فارسی به عنوان زبان نفوذیافته به ادبیات، تاریخ‌نویسی و دیوان‌سالاری عثمانی، جایگاه برجسته‌تری یافته بودند. حضور شاعران و ادیبان ایرانی در قلمرو عثمانی که آثار خود را به زبان فارسی پدید می‌آوردند، در تداوم نفوذ زبان فارسی به ادبیات عثمانیان پرتأثیر بود. حمایت سلاطین عثمانی از چاه‌سرای فارسی، در دوره سلطان سلیم اول (حک: ۹۱۸-۹۲۶ق) بیشتر شد؛ زیرا سلیم یاوز که خود تواناترین شاعر عثمانی در زبان فارسی بود و دیوانی نیز به زبان فارسی دارد. سلیمان قانونی (حک: ۹۲۷-۹۷۳ق) فرزند سلیم اول، نیز که بزرگ‌ترین سلطان عثمانی بود، از دوستداران شعر و ادب فارسی به شمار می‌رفت. او که در شعر «محبی» تخلص می‌کرد، دو دیوان مجزا به فارسی و ترکی داشته است. حمایت عثمانیان از شعر و ادب در دوره این دو سلطان، سبب شد تا ضمن تجمع شاعران متعدد در دربار عثمانی، آثار منظوم و منشور ادبی بسیاری به زبان فارسی و ترکی پدید آید (بابائی، ۱۳۹۵؛ ص ۱۴۶-۱۴۷).

با توجه به تعلق خاطر سلاطین ترک عصر متقدم عثمانی به زبان فارسی، بسیاری از آنان در گفتگو به فارسی توانا بودند و حتی بسیاری از آنان به سرایش شعر فارسی نیز دست زده‌اند. همین توانمندی در فارسی‌خوانی و فارسی‌گویی سبب شد تا این سلاطین، از فارسی‌گویان عربی‌دان بخواهند که آثار عربی را به زبان فارسی ترجمه کنند، تا سلاطین ترک، قادر به مطالعه آن باشند. در دوره سلیم اول، ترجمه‌های فارسی متعددی نظیر ترجمه حیوة الحیوان دمیری به نام حواس/ خواص الحیوان یا احیاء الحیوان به زبان فارسی توسط ادریس بدلیسی به دستور سلیم (بروسه‌لی، ۱۳۴۲، ج ۳، ص ۸؛ بدلیسی، شماره ۲۹۱۲، ۲۵۵ برگ)، و ترجمه فارسی همین اثر به نام سلیم اول به دست حکیم‌شاه قزوینی (حاجی خلیفه، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۶۹۷؛ طاشکیری‌زاده، ۱۳۹۵ق، ص ۲۰۰) و ترجمه چهل حدیث از ادریس بدلیسی (بدلیسی، ش ۰۰۱-۰۰۴۶۹، ۵۲ گ)، انجام



گرفت. در میان این ترجمه‌ها، ترجمه و فیات الاعیان ابن خلکان برای مطالعه شخص سلطان به دست قاضی زاده اردبیلی انجام گرفته که به رغم ناقص بودن ترجمه، با استقبال قابل ملاحظه‌ای مواجه گردید و نسخه‌برداری‌های متعددی از آن انجام شد.

با توجه به بنیادی بودن موضوع این پژوهش در مطالعات تاریخی، و نیز توصیفی-تحلیلی بودن نوع پژوهش، تلاش خواهد شد تا با تکیه بر شیوه مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی متن اصلی با نسخ خطی به جای مانده از ترجمه و فیات الاعیان ابن خلکان، علاوه بر پرداختن به مترجم و وضع اثر، به پرسش اصلی ذیل پاسخ منطقی و علمی داده شود: قاضی زاده در ترجمه و فیات الاعیان ابن خلکان دست به تغییراتی اعم از حذف، افزایش و اصلاح زده است؟ در خصوص ترجمه و فیات الاعیان به دست قاضی زاده اردبیلی پژوهش قابل ذکری انجام نگرفته است و صرفاً در برخی از پژوهش‌ها، بدان اشاره شده است. در خصوص زندگی قاضی زاده اردبیلی و آثار او نیز می‌توان به مقدمات کتاب غزوات سلطان سلیم نوشته قاضی زاده اردبیلی مراجعه کرد که ضمن معرفی این نخبه ایرانی، به چگونگی تاریخنویسی او در عصر سلیم اول پرداخته است (قاضی زاده اردبیلی، غزوات سلطان سلیم، ۱۴۰۰).

#### قاضی زاده، نخبه ایرانی حاضر در قلمرو عثمانی

حضور نخبگان ایرانی در قلمرو عثمانی، یکی از عوامل مهم تولید آثار مکتوب و غیر مکتوب در میان عثمانیان بود. در میان علل مختلف دافعه و جاذبه عثمانیان که منجر به حضور این نخبگان در قلمرو عثمانی می‌شد، کوچ اجباری و اسارت در جنگ‌ها جایگاه برجسته‌ای یافته بود. یکی از این جنگ‌ها که منجر به انتقال نخبگان ایرانی به قلمرو عثمانی شد، جنگ چالدران بود که در پیامد آن، گروه‌های مختلف نخبگان به استانبول منتقل شدند (بابائی، ۱۳۹۵، ص ۳۵-۳۷). یکی از این نخبگان ایرانی، قاضی زاده اردبیلی بود که پس از جنگ چالدران اسیر و به رغم صدور حکم اعدام، بخشیده و به قلمرو عثمانی برده شد (نشانچی، ۱۲۷۹ق، ص ۳۱۱؛ مستقیم‌زاده، ۱۳۴۷، ۳۶۹؛ حکیم‌شاه قزوینی، ۱۳۶۳، ۳۹۶).

نام او ظهیرالدین، کبیر بن اویس، بوده که به اشکالی نظیر اظهرالدین کبیر بن اویس بن محمد اللطیفی (حاجی خلیفه، ۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۲۰۱۸)، ظهیرالدین اردبیلی (عالی افندی، ۲۰۰۹، گ

۳۷۳ ب)، ظهیر کبیر (میرزا حبیب اصفهانی، ۱۳۶۹، ص ۶۲) و شمس‌الدین محمد لطیفی مشهور به قاضی‌زاده اردبیلی (حکیم‌شاه قزوینی، ۱۳۶۳، ص ۳۹۵) آورده شده و به سبب قاضی بودن پدرش، شیخ کبیر، قاضی‌زاده خوانده می‌شد (طاشکپری‌زاده، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۷۱؛ ریاحی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۲). قاضی‌زاده در غزوات سلطان سلیم، خود را «بنده فقیر کبیر کثیرالتقصیر الشهیر بقاضی‌زاده» خوانده (قاضی‌زاده اردبیلی، ۱۴۰۰، ص ۳) و در آغاز ترجمه و فیات‌الاعیان خود را «محرر این حروف متلاصقه الفقیر الی الله الغنی کبیر بن اویس اللطیفی عفی الله الشهیر بقاضی‌زاده، خصه الله بکل خیر اراده» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۲ الف) و در پایان اثر خود را «الفقیر کبیر بن اویس اللطیفی مترجم الکتاب هذا» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۲۵۱ ب) معرفی کرده است.

بر اساس اطلاعات موجود، قاضی‌زاده دانش‌اندوخته ایران بود (ابن عماد حنبلی، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۲۴۰؛ طاشکپری‌زاده، ۱۳۹۵، ص ۲۷۱) و آنچنان که به مناسبت ذکر طالقان به مطالب ترجمه افزوده است، در سال ۹۱۱ ق از سوی صفویان به عنوان رسول و ایلچی نزد کارکیا میرزا علی بن سلطان محمد بن سیدعلی بن ناصرکیا اعزام شده بود (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۱۰۸ الف؛ همو، ش ۹۰۱۲، گ ۱۰۵ ب). او پس از نبرد چالدران اسیر گردید و با مقرری روزانه ۸۰ آقچه، به استانبول کوچانده شد (مستقیم‌زاده، ۱۳۴۷، ص ۳۶۹؛ نشانچی، ۱۲۷۹، ص ۳۱۱؛ پجوی، ۱۲۸۳، ج ۱، ص ۵۰). قاضی‌زاده از هنرمندانی بود که در حسن خط، انشاء و شعر مهارتی داشت (طاشکپری‌زاده، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۷۱-۲۷۲؛ میرزا حبیب اصفهانی، ۱۳۶۹، صص ۶۲-۶۳)؛ چندان که این مهارت در آثار تاریخی نیز گوشزد شده است (پجوی، ۱۲۸۳، ج ۱، ص ۵۰؛ نشانچی، ۱۲۷۹، ص ۳۱۱). او پس از انتقال به استانبول، در جریان حمله سلطان سلیم اول عثمانی به ممالیک شام و مصر، در مقام نگارنده گزارش‌های نبردهای عثمانیان و ممالیک، سلطان عثمانی را همراهی کرد و اثری گرانبها به زبان فارسی و به شیوه تاریخ‌نویسان ایرانی، آفرید (قاضی‌زاده اردبیلی، ۱۴۰۰، مقدمه مصحح، ص سی و یک - سی و دو). او سرانجام در سال ۹۳۰ ق در جریان شورش احمدپاشا، والی عثمانیان در مصر، با شورشیان همراهی کرد و در این راه کشته شد (طاشکپری‌زاده، ۱۳۹۵، صص ۲۷۱-۲۷۲؛ ابن عماد حنبلی، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۲۴۰؛ مستقیم‌زاده، ۱۳۴۷، صص ۳۶۸-۳۶۹). قاضی‌زاده در دوره حضورش در قلمرو عثمانیان، علاوه بر نگارش غزوات سلطان سلیم، به ترجمه و فیات‌الاعیان ابن خلکان دست زده که در منابع تاریخی نیز بدان اشاره شده است (حاجی خلیفه،

۱۴۰۲ق، ج ۲، ص ۲۰۱۹؛ طاش کپری زاده، ۱۳۹۵ق، ص ۲۷۲؛ مستقیم زاده، ۱۳۴۷، صص ۳۶۸-۳۶۹؛ بغدادی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۸۳۷).

### ترجمه قاضی زاده از و فیات الاعیان و اطلاعات کلی اثر

قاضی زاده اردبیلی ترجمه خود را به نام و دستور «حضرت اعلی صاحب قرانی گیتی ستانی جنت آشیانی فردوس مکانی کیوان ایوانی ممهد قواعد مسلمانی، مشید ارکان مطالب دو جهانی، فرمان فرمای قیصر اول و اسکندر ثانی امیرالمومنین رافع الویه الشرع المبین الموید بتایید الله الملك المنان ابوالمظفر سلیم خان بن بایزید خان بن سلطان محمدخان انار الله برهانه و عفی عنه سبحانه و سقی الله عهده...» (بن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۲ الف) آغاز کرده است.

قاضی زاده سبب ترجمه و فیات الاعیان به فارسی را علاقه مندی سلطان سلیم اول عثمانی به مطالعه اثر ابن خلکان خواننده و اشاره می کند که سلطان به سبب عربی نادانی و فارسی دانی، خواهان ترجمه این اثر به فارسی شده است. قاضی زاده در این خصوص آورده است که سلطان سلیم اول «بعد از فراغ بال از تقنین قوانین احوال و بعد از رجعت از کثرت مشاغل قیل و قال به خلاف ملوک و خواقین رسمی و به نقیض اساطین منغمس به لذات حسی و وهمی، دست از زلف و گردن دلبران ملاح و لب از لب لعل فام اقداح و چشم از چهره گلرنگ ساقیان باده و راح برداشته، بقیه اوقات شریف را به مرضی خیرات و اکتساب معارف یقینیات و مطالعه علوم تواریخ و خطابیات و توجه به فواید عواید کنوز خیالیات صرف می نمود و چهره دلگشای مخدرات معانی را، منظور انظار و وجه حسناء دلبران مبانی را، مشهود ابصار گردانیده، هر لحظه، نوعروسی از حجله بارگاه فکر و خیال، به آغوش اقبال و هر لمحہ، ماه پیکری از سراپرده خلوتخانه اسرار به حباله اجلال در می آورد... از آن جمله تاریخ و فیات الاعیان بود که حوراء فحاوی آن را، انیس خلوت و جلیس جلوت ساخته، از مطالعه جمال نوجوانان مطاوی آن بهره مند و محظوظ بود و آن کتابی است مشتمل بر چهار مجلد که جواهر معانی رایقه آن را احمد بن خلکان بافصح عبارات و ابلغ استعارات به لغت تازی و به لسان عربی در سلک التیام انتظام داده و چون همه کس از مطالعه آن کما ینبغی محظوظ نبود و خاطر خطیر همایون به تعمیم منافع خیرات و اشاعت مآثر برکات نسبت به طوایف امم مایل و آیل بود، تسهیلاً لمطالعتهم و

تحصیلاً لمنافعهم این بنده قلیل البضاعة و این کمترین بندگان فرومایه را به ترجمه آن عبارت فارسی مأمور گردانید» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۳ الف - ۴ الف).

قاضی زاده آورده است که در هنگام ترجمه اثر، سلطان سلیم اول (سال ۹۲۶ ق) درگذشت ۱ و ترجمه جلد نخست، به فرزند و جانشین سلطان سلیم، «حضرت درّ دریای خلافت و جهاننداری، درّی سپهر امامت و شهریاری، مهر فلک سروری و سرداری، سلیمان بارگاه عظمت پناهی آسمان ارتفاع ستاره سپاهی صاحب حکم و خاتم سلیمانی، الموید بتأیید الله الملك المنان ابوالنصر سلیمان خان بن سلیم خان» تقدیم شده است (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۴ ب). قاضی زاده در ادامه به ترجمه دو جلد از وفیات الاعیان اشاره کرده که به سلطان سلیمان قانونی تقدیم شده است (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۴ ب)، اما در پایان اثر به ترجمه یک جلد اشاره شده است. ۲ قاضی زاده پس از بیان تقدیم اثر خود به سلیمان، به جریان بیماری سلطان سلیم از «یوم الاثنین ثانی عشرین شعبان المعظم سنه ست و عشرين و تسعمائه»، نوع بیماری، وضع و حال او و نهایتاً مرگ او در «تاسع شهر شوال سنه مذکور» با جزئیات پرداخته است (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۵ الف - ۷ ب).

### وضع نسخ خطی

گویا از ترجمه ناکامل فارسی قاضی زاده از وفیات الاعیان ابن خلکان استقبال زیادی شده و همین بخش ترجمه شده، بارها استنساخ گردیده است؛ آنچنان که در گنجینه‌های کتابخانه‌های مختلف، نسخ خطی متعددی از آن وجود دارد. از این ترجمه، دو نسخه کامل و خوانا در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره‌های ۵۳۸ و ۹۰۱۲ وجود دارد که منبع پژوهش حاضر بوده است. نسخه شماره ۵۳۸ با توجه به اشاره در صفحه واپسین که از روی نسخه خود مترجم کتابت شده و به احتمال به دوره صفویان تعلق دارد، به عنوان نسخه اصل در نظر گرفته شده است؛ با وجود این، نام کاتب

۱ «در اثنای این حال بتقدیر الله المتعال نسخه حیات آن حضرت بمقتضاء لکل اجل کتاب یمحواله ما یشاء و یثبت و عنده ام الکتاب، به خاتمه اتمام رسید» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۴ الف).

۲ «جزء اول از تاریخ قاضی شمس الدین احمد بن خلکان بعون الله المستعان به اتمام مقرون شد و در جزء ثانی آن، اسم ابوعمرو... خواهد آمد ان شالله تعالی و الختم بالصلوه علی النبی محمد و آله و صحبه فسلم» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۲۵۱ ب).

نسخه، نادانسته مانده است. از ویژگی‌های این نسخه این است که کاتب غالباً اشعار عربی متن را در حاشیه اثر به فارسی ترجمه کرده که در نسخه دیگر به چشم نمی‌خورد و از برتری‌های این نسخه است. کاتب نسخه شماره ۹۰۱۲ آقابابا بن ملامحمد مهدی شه میرزادی بوده که در سال ۱۲۷۱ق به کتابت اثر دست زده است. قاضی‌زاده، پایان ترجمه جلد نخست و فیات الاعیان را در سال ۹۲۶ق و در شهر استانبول ذکر کرده است. ۱ این اثر با شرح زندگی حماد بن ابی لیلی شاپور (حمادالراویه) به پایان می‌رسد و قاضی‌زاده در پایان اثر، ضمن اشاره به خاتمه یافتن جلد نخست، به ترجمه جلد دوم که با نام ابوعمر و (وقیل ابویحیی) حماد بن عمرو بن یونس بن عامر بن صعصعة المعروف به عجرد الشاعر آغاز می‌شود، اشاره کرده است که البته گویا به سرانجام نرسیده است.

### حذفیات قاضی‌زاده

با مقایسه ترجمه قاضی‌زاده با متن اصلی و فیات الاعیان دانسته می‌شود که شماری از اعیان مذکور در اثر اصلی، در ترجمه قاضی‌زاده از قلم افتاده‌اند. این نقص به احتمال به نقص نسخه اصل از فیات ارتباط دارد که مترجم از روی آن دست به ترجمه زده است. با توجه به تنوع خصوصیات افرادی که در ترجمه حذف شده‌اند، این گزاره که قاضی‌زاده متناسب با اهداف و گرایش‌های شخصی خود دست به حذف زده است، کنار نهاده می‌شود. همچنین، با مقایسه نسخ خطی ترجمه، دانسته می‌شود که کاتبان، نقشی در حذف شرح زندگی افراد نداشته‌اند. در اثر قاضی‌زاده، شرح زندگانی ابراهیم ادهم، ابن‌عبدالحمید الجرجانی وزیر المستنصر بالله، ابوالعباس القسطلانی، متوکل عباسی، حاتم الاصم، حجاج بن ارطاة، حارث بن مسکین، حسن بن علی بن ابی‌طالب، ابوعلی فارقی، حسان تنوخی، حفص بن غیاث و عبدل اسدی، ناگفته رها شده است. دامنه حذف به اطلاعات داخل متن نیز راه یافت است؛ چندان که گاه در ترجمه افراد، شماری از آثار و کتب آنان ناگفته مانده است. حذف نام آثاری همچون الزمرد نوشته احمد بن یحیی راوندی (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۴۸ ب؛ همو، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۹۴) و اعراب القرآن اثر ثعلب نحوی (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۵۴ الف؛ همو، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۱۰۶) از آن جمله‌اند.

۱ «و كان الفراغ من تسويده خامس شهر ذي قعدة الحرام به دارالسلطنة قسطنطينية حماها الله عن البلية سنة ست و عشرين و تسعمائة على يد الفقير كبير بن اويس اللطيفي مترجم الكتاب هذا» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۲۵۱ ب).

یکی از مهم‌ترین بخش‌های حذف‌شده، اشعار عربی است. قاضی‌زاده در کل ترجمه اثر، هنگامی که ابیات عربی مذکور در شرح زندگی افراد، پر شمار بود، دست به گزینش و حذف زده و علاوه بر عدم ترجمه اشعار، بسیاری از اشعار را حذف کرده است (برای نمونه، ابن‌خلکان، ش ۵۳۸، گ ۱۴ الف، قس: همو، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۲۹؛ همو، ش ۵۳۸، گ ۶۷ ب، قس: همو، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۱۲۹-۱۳۰؛ همو، ش ۵۳۸، گ ۶۸ ب-۷۰ ب، قس: همو، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۱۳۵-۱۳۹؛ همو، ش ۵۳۸، گ ۷۳ ب، قس: همو، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۱۵۱-۱۵۴).

#### اصلاحات و جابجایی‌های راه‌یافته به ترجمه

یکی دیگر از ویژگی‌های ترجمه قاضی‌زاده اردبیلی، بازگرداندن اسامی و اصطلاحات معرب به اصل فارسی است. قاضی‌زاده «بوران بنت الحسن بن سهل» (ابن‌خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۵۰) را «پوران» (همو، ش ۵۳۸، گ ۲۲ ب)، «اصبهانی» را «اصفهان» (در بسیاری از موارد)، «ساربه» (همو، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۶۸) را «شهر ساری» (همو، ش ۵۳۸، گ ۳۲ ب)، «نیسابور» را «نیشابور» (در بسیاری از موارد)، «جرجان» (همو، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۷۴) را «استرآباد» (همو، ش ۵۳۸، گ ۳۵ ب) و «سباهان» (همو، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۹۲) را «سپاهان» (همو، ش ۵۳۸، گ ۴۶ ب) ترجمه کرده است. در ترجمه او گاه معادل‌گذاری نیز اعمال شده است؛ برای نمونه، المروزی (همو، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۶۹) به مروزی (همو، ش ۵۳۸، گ ۳۲ ب) تغییر یافته است. نیز ابی‌اسحاق الشیرازی (همو، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۳۳) را ابو اسحاق فیروزآبادی (همو، ش ۵۳۸، گ ۱۴ الف) آورده شده است. همچنین عبارت «و کان اسود اللون لأنّ أمّه كانت جاریه السوداء» (همو، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۳۹) به شکل «به واسطه آن که از جاریه حبشیه متولد شده، اسمر اللون بوده» (همو، ش ۵۳۸، گ ۱۶ الف) ترجمه شده است. در ترجمه قاضی‌زاده جابجایی نیز بارها به چشم می‌خورد. نظیر این که در وصف ابواسحاق المروزی، وجه تسمیه مرو و مطالب مربوط بدان، پس از انتساب ساخت آن به اسکندر ذی‌القرنین آورده شده که در متن اصلی عکس این چینش وجود دارد (ابن‌خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۷۴؛ همو، ش ۵۳۸، گ ۳۶ ب).

اصلاح برخی موارد از داده‌های ابن‌خلکان در ترجمه به چشم می‌خورد. برای نمونه، قاضی‌زاده فاصله بیهق با نیشابور را که در اثر ابن‌خلکان ۲۰ فرسخ ضبط شده بود (ابن‌خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص

۷۶)، به ۲۵ فرسخ اصلاح کرده است (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۱۲ ب). همچنین، قاضی زاده در شرح حال ابراهیم بن خالد شافعی، سال مرگ او را ۲۴۰ ق ضبط کرده است (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۱۱ ب)؛ در حالی که ابن خلکان به اشتباه، وفات او را سال ۲۴۶ ق آورده است (ابن خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۲۶).

### اشتباهات وارد شده به ترجمه

گاه در ترجمه قاضی زاده به اشتباهاتی برخورد می‌شود که با متن اصلی در تناقض است. برای نمونه، در شرح زندگی ابو اسحاق شیرازی، قاضی زاده ابی نصر بن الصباغ را (ابن خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۲۹) به اشتباه به شکل ابی نصر بن سیار ضبط کرده است (همو، ش ۵۳۸، گ ۱۳ الف). همچنین در وصف همو در اثر عربی در توضیح فیروزآباد به شهر جور (گور) اشاره شده (ابن خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۳۱)، اما قاضی زاده در ترجمه با عبارت عربی «هی مدینه خوز» بدان اشاره کرده است (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۱۴ الف). نیز او به اشتباه «ابراهیم بن مهدی... اخو هارون الرشید» را (ابن خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۳۹) به شکل «ابراهیم بن مهدی... برادرزاده هارون الرشید» ترجمه کرده است (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۱۶ الف).

### افزوده‌های ادبی در ترجمه جملات ساده

قاضی زاده اردبیلی از ادیبان و نویسندگان چیره‌دست ایرانی دربار عثمانیان بود، و این هنرنمایی را در نگارش غزوات سلطان سلیم به نمایش گذاشته است. او در این اثر، علاوه بر تعابیر ادبی و زیبا و به کارگیری آرایه‌های ادبی متعدد در تالیف اثرش، بارها دست به چامه‌سرایی زده است که از طبع ادبی او حکایت دارد (قاضی زاده اردبیلی، ۱۴۰۰، ص سی و دو). قاضی زاده در ترجمه و فیات نیز، بارها هنرنمایی ادبی خود را به کار بسته و در ترجمه برخی جملات و عبارات، به افزودن تعابیر و جملات ادبی دست زده است که نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود.

متن: «فتوفی» (ابن خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۲۷)؛ ترجمه: «مذاق جاننش به حلاوت شهد وصال نشأه اخروی، محلّی گشته» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۱۲ الف). متن: «امام عصره فی الفتوی و التدریس» (ابن خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۲۶-۲۷)، ترجمه: «وی در افاده تدریس و افتاء و در انشاء

کلمه حق و اعطاء آن، فرید عصر و وحید دهر بوده» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۱۲ الف). متن: «شرح مختصر المزنی» (ابن خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۲۷)؛ ترجمه: «لاسیما شرحی که بر مختصر امام مزنی نوشته میانه افضل علما و امثال فضلا متداول و مشهور است» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۱۲ الف). متن: «دفن من الغد بباب ابرز» (ابن خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۳۰)؛ ترجمه: «در مقابر باب ابرز به مشوای راحت و اصل گشت» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۱۳ ب). متن: «فاق اهل زمانه بالعلم و الزهد» (ابن خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۳۰)؛ ترجمه: «به زهدات و جودت طبیعت و علو همت و سمو منزلت سرآمدت علماء اعلام بود» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۲۳ ب). متن: «و له نشر بدیع» (ابن خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۴۴)؛ ترجمه: «و از او کتابات منشور کاللاکی المنظومه بر صحایف خاطر ابرار مرکوز و مرقوم است» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۱۹ ب). متن: «ذکر هذین البیتین علی صورة اخرى» (ابن خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۵۰)؛ ترجمه: «این دو بیت را... به رنگی دیگر ایراد نموده اند» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۲۲ ب). متن: «مات» (ابن خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۷۷)؛ ترجمه: «به جوار رحمت ایزدی و ظلال رأفت سرمدی واصل شد» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۳۷ الف). متن: «کان ازجانی فی عنفوان عمره بالمدرسة النظامية باصبهان» (ابن خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۱۵۱)؛ ترجمه: «ازجانی در عنفوان نصاب و ریعان شباب در مدرسه اصفهان به مطالعه علوم قیام نموده» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۷۲ ب). متن: «ترك الدنيا في حياة ابيه مع المقدرة و أثر الانقطاع و العزلة» (ابن خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۱۶۸)؛ ترجمه: «در زمان خلافت و تصدی سلطنت والد بزرگوارش، سلطنت فقر و طاعت را اختیار فرموده و در به روی خلق بسته، ملازم مآب الله بوده» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۷۷ ب). متن: «كان غزير الفضل لطيف الطبع» (ابن خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۱۸۵)؛ ترجمه: «وی شخصی کثیر الفضل، لطیف طبع بود و جوهر کلمات نظم و نثر را به عبارات بدیعه و استعارات ظریفه به انامل فکر ثاقب در سلك انتظام و التیام منسلک می گردانیده و حوراء مستورات معانی لطیفه را از مکمن خفا به منصفه ظهور هویدا می ساخته» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۲۴۱ ب). متن: «و كان اول اشتغاله بمذهب اهل رأی حتی قدم الشافعی العراق فاختلف اليه و اتبعه و رفض مذهبه الاول» (ابن خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۲۶)؛ ترجمه: «و در بدایت امر متقلد مذهب امام اعظم ابوحنیفه کوفی رحمه الله و اصحاب رأی بوده؛ چون حضرت امام شافعی بغداد را به نور حضور منور ساخته به صحبت آن حضرت سرافراز شده و از متابعت اصحاب رأی، رأی منیرش به استبرا قرار گرفته و متقلد مذهب شافعی رضی الله عنه شد» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۱۱



ب). متن: «صاحب الامام الشافعی رضی الله عنه» (ابن خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۲۶)؛ ترجمه: «به شرف صحبت حضرت امام شافعی رضی الله عنه رتبه امتیاز و مفاخرت یافت» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۱۲ ب). متن: «امر الناس بترك لباس السودا الذي هو شعار بنی العباس و امرهم بلباس الخضر» (ابن خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۴۰)؛ ترجمه: «لباس سواد را که در سويداء قلمرو بنی عباس رؤوس منابر را بدان چون اجفان دلبران به کحل مزین می ساخته اند، بر طرف گردانیده، به عوض آن لباس خضرا که دثار اهل بیت بوده، قرار داده بوده» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۱۷ الف).

### افزوده های هنجاری و گرایش مذهبی قاضی زاده اردبیلی

یکی از بخش های افزوده قاضی زاده، مطالب هنجاری است که از آنها می توان گرایش های مذهبی مترجم را بیرون کشید. یکی از بخش هایی که به عنوان افزوده های کوتاه قاضی زاده در ترجمه و فیات الاعیان مد نظر است، لقب دهی است. به جز لقب دهی به اماکن جغرافیایی نظیر ترجمه قسطنطنیه به شکل «قسطنطنیه روم» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۷۰ الف)، آمد به شکل «آمد محروسه» (همانجا)، حلب به شکل «حلب محروسه» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۷۱ الف) و یا شهر هراة (هرات) به شکل دارالسلطنة هراة (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۴۹ الف، ۶۶ الف) که در آنها مسائل هنجاری مطرح نمی شود، برخی لقب دهی ها به افراد می تواند از گرایش های مذهبی مترجم حکایت داشته باشد. قاضی زاده در ذکر اسامی اعیان، با وجود آن که با گرایش های شیعی او چندان همساز نمی نماید، آنان را با القاب یا پسوندها و پیشوندهای مثبت خطاب کرده است. خطاب قرار دادن خلفای نخستین با عباراتی نظیر «حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۷۸ ب؛ قس «همو، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۱۷۰) «حضرت امیرالمومنین عمر بن خطاب رضی الله عنه» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۱۸۸ الف)، «ابی بکر صدیق رضی الله عنه» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۱۵۲ ب)، «امیرالمومنین عثمان بن عفان رضی الله عنه» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۱۶۷ ب) از نمونه های این موارد است. در نسخه خطی شماره ۵۳۸، عباراتی نظیر امیرالمومنین و رضی الله عنه در خصوص خلفای نخستین اهل سنت، مخدوش شده، و عباراتی نقیض آنها در کنارشان

۱ در متن اصلی، «عمر بن خطاب رضی الله عنه» آمده است (ابن خلکان، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۳۱).

۲ در متن اصلی، لقب صدیق نیامده است (ابن خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۳۲۸).

۳ در متن اصلی، «عثمان رضی الله عنه» آمده است (ابن خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۳۵۹).

آورده شده است. در ادامه همین شکل لقب‌دهی و گرایش‌های سنی مترجم، می‌توان به ترجمه جمله «تابعی رأی عائشة رضی الله عنها و دخل علیها» (ابن‌خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۲۵) اشاره کرد که به شکل «به شرف ملازمت حضرت ام‌المومنین عایشه صدیقه مشرف شد» (ابن‌خلکان، ش ۵۳۸، گ ۱۰ ب) ترجمه شده است. این موارد، در کنار عدم تغییر عبارت «رافضی کثیرالهجا خبیث اللسان» برای ابن‌منیر طرابلسی (ابن‌خلکان، ش ۵۳۸، گ ۷۳ ب؛ همو، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۱۵۶) از سنی‌گرایی قاضی‌زاده خبر می‌دهد، اما باید توجه داشت که این اثر به نام و برای مطالعه‌ی یکی از سلاطین قدرتمند ضد شیعه به نام سلطان سلیم اول نگاشته شده است و مترجم می‌بایست رضایت این سلطان را کسب کند. مضافاً آن که در اثر دیگر قاضی‌زاده اردبیلی، غزوات سلطان سلیم، عبارات مشابه این موارد هرگز به چشم نمی‌خورد و نشانه‌های شیعه بودن قاضی‌زاده در آن اثر، آشکار است (نک: بابائی، ۱۳۹۸، ص ۲۰۳-۲۲۱). علاوه بر این موارد، قاضی‌زاده برای غالب خلفا، صحابه و علما از چنین القابی استفاده کرده و به متن افزوده، و منحصر به شخصیت‌های مذهبی اهل تسنن نبوده است. موارد نظیر حضرت مأمون خلیفه (ابن‌خلکان، ش ۵۳۸، گ ۱۳۶ الف)، حضرت هارون (ابن‌خلکان، ش ۵۳۸، گ ۲۵۳ ب)، حضرت رشید (۱۶۱ ب)، حضرت جنید (ابن‌خلکان، ش ۵۳۸، گ ۱۷۵ ب) و حضرت امام اعظم رضی الله عنه (ابن‌خلکان، ش ۵۳۸، گ ۱۵۳ ب) از آن جمله‌اند.

در خود ترجمه اثر نیز مطالب توأم با افزوده‌ی بسیاری وجود دارد که از گرایش‌های قوی شیعی قاضی‌زاده حکایت دارد که برای نمونه مواردی به همراه متن اصلی آورده می‌شود: قاضی‌زاده در ترجمه «و کان یتشیع» (ابن‌خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۷۷) در توصیف نسایی صاحب سنن، «و او متشیع و بر محبت اهل بیت ثابت غیر متصنع بود» را آورده است (ابن‌خلکان، ش ۵۳۸، گ ۳۷ الف). نیز در وصف ثعلبی و اشاره به شهر نیشابور، «هی حسن مدن خراسان و اعظمها و اجمعها للخیرات» (ابن‌خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۸۰) را به شکل «آن از احسن مدن خراسان است قریب به مشهد مقدس طوس» ترجمه کرده و عبارت «مشهد مقدس طوس» را به متن افزوده است (ابن‌خلکان، ش ۵۳۸، گ ۳۸ ب). نمونه مشابه ترجمه «هی بلدة بخراسان بنواحی نیشابور» (ابن‌خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۷۴) بوده که به شکل «و آن بلده‌ای است به خراسان در حوالی مشهد مقدس رضویه و نیشابور» آورده شده است (ابن‌خلکان، ش ۵۳۸، گ ۳۵ ب).

از نمونه‌های دیگر می‌توان به این موارد اشاره کرد: «كان المأمون لما بايع علي بن موسى الرضا بولاية العهد» (ابن خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۴۰)، ترجمه: «در زمانی که مأمون حضرت امام را قایم مقام خویش گردانیده بوده» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۱۷ الف). «سر من رأی... و فیها السرداب الذی ينتظر الامامية خروج الامام منه و سیأتی ذکره فی حرف المیم فی المحدثین» (ابن خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۴۲)، ترجمه: «در آنجا سرداب است که شیعه امامیه انتظار خروج امام محمد مهدی علیه السلام از آن می‌کنند و ذکر حضرت امام حجة الحق محمد مهدی در حرف میم در محمد بن حسن خواهد آمد» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۱۸ الف). «و توفی فی شوال ثمان و أربعین و مائة بالمدينة و دفن بالبقيع فی قبر أبوه محمد الباقر و جده علی زین العابدین و عم جده حسن بن علی رضی الله عنهم أجمعین» (ابن خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۳۲۷)، ترجمه: «در شوال سنه ثمان و اربعین و مائة به مدینه مشرفه طایر نفس ناطقه اش از قید بدن مقدس، آهنگ مجاورت حضایر عالم علویات و مخالطت ملانکه مقربه سماوات نموده، بدن مطهر منورش را که مخزن خزاین حقایق آثار نبوت و امامت بوده: بیت: در قبه ای که قبه زرین آفتاب- هر صبح و شام گرد درش طوف می‌کند، که در آن حضرت امام محمد باقر و امام علی زین العابدین و عم جد او حسن بن علی و عم النبی صلی الله علیه و سلم عباس بن عبدالمطلب رضی الله عنهم اجمعین مدفون بوده‌اند، دفن نموده‌اند» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۱۵۳ الف). «أن المأمون لَمَّا كان بخراسان جعل ولی عهده علی بن موسى الرضا» (ابن خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۳۹)، ترجمه: «حضرت مأمون در خراسان، حضرت امام ثامن و هو للمجتبین بالخیر ضامن علی بن موسى رضا را رضی الله عنهم اجمعین، ولی العهد خویش گردانیده...» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۱۶ ب). «بشر الحافی... أسلم علی ید علی بن ابی طالب رضی الله عنه» (ابن خلکان، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۲۷۴)، ترجمه: «به دست سیف الله المسلول زوج فاطمه البتول ابن عم رسول الغالب علی کل غالب علی بن ابی طالب رضی الله عنه مسلمان شده...» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۱۲۹ ب). «ابو محمد العسکری... أحد الأئمة الاثنی عشر علی اعتقاد الامامية و هو والد المنتظر صاحب السرداب» (ابن خلکان، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۹۴)، ترجمه: «وی یکی از دوازده امام معصوم مفترض الطاعة است علی ما ذهب الیه الامامية و او پدر حضرت الامام المنتظر صاحب السرداب محمد المهدی است» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۲۰۴ الف). این موارد نشان می‌دهد که سنگینی گرایش‌های شیعی قاضی‌زاده نسبت به نشانه‌های سنی‌گرایی بسیار بیشتر است؛ خاصه آن که مخاطب اثر، سلطان سنی ضد شیعه عثمانی بوده است.

### افزوده‌های مستقل قاضی‌زاده به ترجمه

قاضی‌زاده - علاوه بر داده‌ها و عبارات حاشیه‌ای که متناسب با متن و یا لحن ادبی ترجمه به اثر ابن‌خلکان افزوده است -، در برخی موارد به تناسب اطلاعات شخصی خود، داده‌های وفیات‌الاعیان را تکمیل کرده و بخش‌هایی را به شکل مستقل بدان افزوده است. این افزوده‌ها، زندگی‌نامه‌ی اعیان را در بر نمی‌گیرد، بلکه توضیحاتی است که در برخی موارد در خصوص مناطق جغرافیایی آورده شده که قاضی‌زاده از آنجاها، اطلاعات زیادی داشته است. برای نمونه او نخستین‌بار در شرح حال صاحب بن عباد و اشاره به شهر طالقان، مطالبی آورده که علاوه بر موقعیت جغرافیایی شهر و وضع سیاسی، اطلاعاتی در خصوص خود قاضی‌زاده نیز در اختیار گذاشته است. «مترجم این حروف متلاصقه کبیر کثیرالتقصیر عفی الله عنه چنین گوید که این طالقان در کوهستان شرقی قزوین واقع است و به قلعه الموت متصل و به لطافت آب و هوا متصف است و فشكل درّه که در دامن آن واقع است و بر بساتین مشتمل بر انواع فواکه و اثمار، از توابع آن است و آن همیشه داخل حوزه حکومت دارالسلطنه به تبریز و عراق عجم بوده تا زمانی که پادشاه صاحب‌قران امیر تیمور گورکان از کش دلکش سمرقند بی مانند به یورش آذربایجان به طالقان نزول نموده و به استحضار ملک لاهیجان سیدعلی کیایی حسینی حکمی متضمن استغنا و عظمت آثار و محتوی بر آثار تمنع و جلالت بدو ابلاغ و انفاذ نموده، سید مشار الیه از تعجب و استکبار او استعفا و استنکار نموده، به استظهار استحکام مکان و محل و صعوبه جبال و جنگل از حضور عتبه او امتناع فرموده...». این افزوده، حدود دو صفحه از مطالب را در بر می‌گیرد که در آن به چگونگی ارتباط کیاییان با تیمور و نیز حضور قاضی‌زاده در دربار کیاییان در عصر صفوی اشاره شده است (ابن‌خلکان، ش ۵۳۸، گ ۱۰۷ ب- ۱۰۸ الف).

افزوده دیگر در وصف شهر بروجرد در بیان شرح حال برکیارق سلجوقی است که در آن با این آغاز: «محرر این حروف کبیر کثیرالتقصیر عفی الله چنین گوید که بروجرد در دامن کوه خرم آباد لرستان واقع است و بیلاقی در غایت اعتدال و لطافت است و...» و به موقعیت بروجرد، حکومت شاه رستم بن شاه حسین و نیز ترکیب قومیتی آن یعنی لر و کرماج (کرمانج) اشاره شده است (ابن‌خلکان، ش ۵۳۸، گ ۱۲۶ ب- ۱۲۷ الف).

نمونه دیگر از افزوده قاضی زاده اردبیلی، در اشاره به منطقه ریدانیه مصر است که به سبب حضور مترجم به همراه سلطان سلیم اول عثمانی در حمله به ممالیک، اطلاعات مهمی در این خصوص ارائه شده است. قاضی زاده به عنوان مورخ اقدامات سلطان سلیم در حمله به مصر، وقایع مربوط به نبرد ریدانیه را که منجر به انقراض حکومت ممالیک مصر و شام و چیرگی عثمانیان بر مصر شد، ثبت کرده و در اثر مهمش یعنی غزوات سلطان سلیم، گنجانده بود. «ریدانیه در خارج باب الفتوح احد ابواب قاهره در جانب شرقی مصر واقع است و این محل بر حضرت اعلی کشورگشای خلیفه الرحمانی صاحب قرانی اسکندر ثانی بسیار مبارک بود؛ چه فتح طومان بای و قتل بقیه السیوف شراکسه به تاریخ غره محرم الحرام سنه ثلاث و عشرين و تسعمائه در این عرصه روی نمود...» (ابن خلکان، ش ۵۳۸، گ ۱۲۸ الف - ۱۲۸ ب).

#### نتیجه

قاضی زاده اردبیلی، نخبه ایرانی بود که پس از جنگ چالدران به قلمرو عثمانی کوچانده شد و با توجه به توانمندی هایش در دربار عثمانیان به کار نگارش آثار اشتغال یافت. او، علاوه بر نگارش غزوات سلطان سلیم، به دستور سلطان و جهت رفع نیاز شخصی او به ترجمه فارسی و فیات الاعیان ابن خلکان از عربی دست یازید، اما به سبب مرگ سلطان در ۹۲۶ق، ترجمه اثر به جلد نخست محدود شد و ناتمام ماند. با توجه به ترجمه مناسب قاضی زاده، این بخش ناقص مورد توجه قرار گرفته و بارها استنساخ شد؛ آنچنان که نسخ خطی متعددی از آن به جای مانده است. قاضی زاده، در این ترجمه، علاوه بر انتقال اثر از عربی به فارسی، تغییراتی به ترجمه و فیات وارد کرده است. بخشی از این تغییرات به حذفیاتی مرتبط است که قاضی زاده اعمال کرده است. حذف دوازده تن از اعیان مذکور در کتاب و فیات، در کنار حذف اشعار عربی از آن جمله اند. قاضی زاده، در اثر به اصلاحاتی نظیر فارسی سازی برخی از اسامی و اصلاح برخی از اشتباهات نیز دست زده، اما خود نیز در برخی موارد اشتباهات اندکی را به متن وارد کرده است. یکی از ویژگی های مهم ترجمه قاضی زاده، افزوده هایی است که او به متن اصلی داشته است. این افزوده ها، به شکل تفصیل اطلاعات داخل متن اصلی و ارائه متن مستقل است که در اثر عربی وجود نداشته است. در خصوص شکل نخست، افزوده های قاضی زاده به شکل توصیف ادبی عباراتی است که در متن اصلی به شکل ساده و بی آرایه آمده بود. این ویژگی که از قریحه خوش مترجم ناشی شده، سبب شده است تا گاه عبارات کوتاه، با ترجمه مفصل آورده شود.

افزوده‌های دیگر، عبارات و تعابیری است که دارای بار ارزشی هستند که بیشتر به حوزه مذهبی ارتباط دارد. قاضی‌زاده اردبیلی در ذکر اسامی افراد، آنان را با القاب و گاه عباراتی توصیف کرده که می‌تواند از گرایش‌های مذهبی مترجم حکایت کند؛ در این میان، سنگینی افزوده‌هایی که نشانگر تشیع مترجم است، پررنگ‌تر است. قاضی‌زاده، علاوه بر افزوده‌هایی که در جهت زیباسازی و تفصیل ترجمه داشته، به تناسب اطلاعات خود در برخی موارد، ضمن تکمیل اطلاعات متن اصلی، داده‌های مستقلی نیز به متن افزوده است. به طور کلی، ترجمه قاضی‌زاده از وفیات الاعیان، اثری است که در آن، به رغم افزوده و حذفیات، متناسب با وضع عثمانیان عصر متقدم، ترجمه‌ای قابل اعتنا و نسبتاً وفادار انجام شده و سبب انتقال متنی عربی به زبان فارسی شده است تا نیاز سلطان ترک عثمانی در مطالعه اثر اصلی، مرتفع گردد.

#### کتابنامه

- ابن خلکان، أحمد بن محمد بن إبراهيم البرمكي الإربلي، (۱۳۹۸ق/۱۹۷۸م)، وفیات الاعیان وانباء أبناء الزمان، حقه إحصان عباس، بیروت: دار صادر.
- همو، (شماره بازیابی ۵۳۸)، وفیات الاعیان، ترجمه قاضی‌زاده اردبیلی (ترجمه تاریخ ابن خلکان)، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- همو، (شماره بازیابی ۹۰۱۲)، وفیات الاعیان، ترجمه قاضی‌زاده اردبیلی، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- ابن عماد حنبلی، شهاب‌الدین ابی الفلاح، (۱۴۱۴ق)، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، حقه و علق علیه محمود الارناووط، بیروت: دار ابن کثیر.
- بابائی، طاهر، (۱۳۹۵)، نقش نخبگان حکومتی ایرانی در قلمرو عثمانی در دوره سلیم اول (حک: ۹۱۸-۹۲۶ ق) و سلیمان قانونی (حک: ۹۲۶-۹۷۳ ق)، رساله دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران.
- همو، (۱۳۹۸)، «ایران دوستی و شیعه‌گرایی قاضی‌زاده اردبیلی در تاریخ‌نگاری عصر سلطان سلیم اول عثمانی (حک: ۹۱۸-۹۲۶ ق)»، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، سال ۵۲، شماره ۲، ص ۲۰۳-۲۲۱.
- بدلیسی، ادریس، (ش ۰۰۱-۰۰۴۶۹)، ترجمه چهل حدیث، استانبول: کتابخانه سلیمانیه.

- همو، (شماره ۲۹۱۲)، احياء الحيوان في ترجمة حيوة الحيوان، استانبول: كتابخانه اياصوفيه.
- بروسه‌لی، محمد طاهر، (۱۳۴۲ق)، عثمانلی مولفلی، استانبول: مطبعه عامره.
- بغدادی، اسماعیل باشا، (۱۴۰۲ق/۱۹۸۲م)، ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، تصحیحه و طبعه محمد شرف‌الدین یالتقایا و المعلم رفعت بیلکه الکلیسی، بیروت: دارالفکر.
- پجوی، ابراهیم، (۱۲۸۳ق)، تاریخ پجوی، استانبول: مطبعه عامره.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله کاتب چلبی، (۱۴۰۲ق/۱۹۸۲م)، کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، بیروت: دارالفکر.
- حکیم‌شاه قزوینی، محمد بن مبارک [محمد قزوینی]، (۱۳۶۳)، بخش افزوده به ترجمه مجالس النفائس، (نویسی، امیرعلیشیر، تذکره مجالس النفائس (ترجمه حکیم شاه محمد قزوینی)، به اهتمام علی اصغر حکمت، تهران: نشر منوچهری).
- ریاحی، محمدامین، (۱۳۹۰)، زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- طاشکیری‌زاده، احمد بن مصطفی، (۱۳۹۵ق/۱۹۷۵م)، الشقائق النعمانية فی علماء الدولة العثمانية، بیروت: دارالکتب العربی.
- عالی‌افندی، گلیبولولی مصطفی، (۲۰۰۹)، کنه‌الخبار، چاپ عکس‌برگردان Ali, Gelibolulu Mustafa, *Kühühü 'l- Ahbar, Dördüncü rükn: Osmanlı Tarihi, C.I. Ankara: Türk Tarih Kurumu*.
- قاضی‌زاده اردبیلی، کبیر بن اویس، (۱۴۰۰)، غزوات سلطان سلیم، تصحیح و تحقیق طاهر بابائی، تهران: میراث مکتوب.
- مستقیم‌زاده، سلیمان سعدالدین‌افندی، (۱۳۴۷)، تحفه خطاطین، استانبول: دولت مطبعه‌سی.
- میرزا حبیب اصفهانی، (۱۳۶۹)، تذکره خط و خطاطان بانضمام کلام‌الملوک، ترجمه رحیم چاوش اکبری، تهران: نشر مستوفی.
- نشانچی، محمدپاشا، (۱۲۷۹ق)، تاریخ نشانچی، [استانبول]: طبعخانه عامره.

## **Translation from Arabic to Persian to meet the needs of the Ottoman Turks, Case study: Translation of *Wafayāt al-à yān* of Ibn Khallikān by the order of I. Sultan Salim**

### **Abstract**

In addition to Turkish, Arabic and Persian, were very important in Ottoman historiography and literature. Arabic was the language of Ottoman schools in the classical age and Persian was very influential in the field of Ottoman administration and literature that Ottoman sultans were interested in. I. Salim was interested in Persian and wrote poetry in Persian; Therefore, he liked the translation of Arabic works into Persian. Accordingly, one of the Iranian prisoners of battle of Chāldirān named Kāḏizade Ardebili was commissioned to translate the *Wafayāt al-à yān* into Persian, so that Ottoman sultan could read it. Although was translated only one volume of the book, But this part, which is still a manuscript, is one of the works that has helped to strengthen the Ottoman heritage in the field of translation from Arabic to Persian. In the study, in addition to introducing Kāḏizade Ardebili as the Iranian elite of the Ottoman court, have been studied the translation features of *Wafayāt*, status of the manuscript, comparing the translation with the original work, and Changes such as omissions and additions.

**Keywords:** Kāḏizade Ardebili, Ottoman Literature, I.Sultan Salim, *Wafayāt al-à yān* of Ibn Khallikān, translation from Arabic to Persian.